

كيف تكون الرجعة ؟ رجعت چگونه است؟

هناك أمور لابد من معرفتها لنفهم كيف تكون الرجعة:
مسائلی است که باید ابتدا آن‌ها را بشناسیم، تا بفهمیم که رجعت چگونه است.

أولاً: الإحساس بالتحول أو التغير مسألة نسبية، فالحقيقة إننا نحس بتغير الأشياء حولنا عندما نتعرض نحن وهي لتغيرات مختلفة سواء مكانية أم زمانية، لكن عندما نكون نحن والأشياء من حولنا متعرضين معاً لحركة خارج حدود الزمان والمكان، أي بأبعاد أخرى غير هذه الأربعة التي نعرفها ونحسها، فإننا لن نحس بشكل ملموس بأي تغيير من حولنا، ولن نستطيع قياسه مهما كان كبيراً وسريعاً رغم وجوده، والسبب أن هذا التغيير يشملنا نحن وهي جميعاً بنفس القدر.

اول: احساس دگرگونی یا تغییر، مسئله‌ای نسبی است. حقیقت این است که ما وقتی دچار تغییرات مختلف مکانی یا زمانی می‌شویم، تغییرات را احساس می‌کنیم. ولی وقتی ما و اشیایی که در اطراف ماست، با هم بیرون از حدود زمان و مکان در معرض حرکت قرار می‌گیریم، یعنی در ابعاد دیگری به غیر از این چهار بُعدی که آن را می‌شناسیم و احساس می‌کنیم، هیچ تغییری را در اطرافمان به طور ملموس احساس نمی‌کنیم؛ و هر چقدر که این تغییر بزرگ و سریع باشد، با وجود این که تغییر وجود دارد، نمی‌توانیم آن را اندازه‌گیری کنیم. علت این است که این تغییر، به یک اندازه ما و اشیای اطرافمان را در بر گرفته است.

ولیکون الأمر أقرب للفهم: لنتصور أننا نعيش في وسط متحرك بنا، فإننا لن نحس بحركة الأشياء من حولنا وسنعتبرها ساكنة طالما بقيت حركتنا وحركتها الوحيدة هي حركة الوسط بنا جميعاً، كما أننا لن نحس بأي تغيير في الوسط وفي الأشياء الموجودة فيه طالما كان هذا التغيير يشمل كل شيء في الوسط - أي حتى نحن - وبنفس النسبة.

برای این که مسئله مفهوم‌تر باشد، بیایید تصور کنیم که در میان یک جسم متحرک قرار گرفته‌ایم. ما حرکت چیزهای اطراف خود را احساس نمی‌کنیم و آنها را ساکن می‌پنداریم، البته تا زمانی که حرکت ما ادامه داشته باشد و حرکت آن متحرک همراه با حرکت ما باشد. به همین ترتیب ما هیچ تغییری را در داخل جسم و اشیایی که در آن وجود دارد، احساس نمی‌کنیم؛ البته تا زمانی که این تغییر، همه‌ی اشیاء را در داخل جسم، حتی خود ما را، شامل شود.

تصور آن طولك ($1.7m$)، وهناك أداة قياس تقيس بها طولك، فلو أنك وأداة القياس تمددتما حتى تضاعف طولكما، فأنت عندما تقيس طولك بأداة القياس نفسها؛ ستجد أن طولك الجديد أيضاً هو ($1.7m$)، ولن تعلم بزيادة طولك، في حين أن طولك الجديد الحقيقي هو ($3.4m$).

تصور کنید که قد شما $7/1$ متر است و در داخل جسم یک ابزار اندازه‌گیری هست که می‌توانید قدتان را با آن بسنجید. اگر ابعاد شما و خط‌کش اندازه‌گیری و همه‌ی اشیای اطرافتان، دو برابر شود، وقتی این بار قد خودتان را با همان ابزار بسنجید، می‌بینید که قد جدید شما همان $7/1$ متر است و از زیاد شدن قد خودتان آگاه نمی‌شوید؛ در حالی که اکنون قد حقیقی شما $4/3$ متر است.

إذا فهمنا ما تقدم نستطيع أن نفهم أننا والكون الذي نعيش فيه؛ ممكن أن ندخل جميعاً إلى عالم الرجعة أو السماء الأولى دون أن نحس بالتغيير الكبير الذي حصل لأجسامنا أو للأجسام التي حولنا أو حتى للكون الذي نعيش فيه، بل ويمكن أن نفهم أننا وكل الكون الذي نعيش فيه في تغير مستمر، وربما كان هذا التغير كبيراً ولكننا لا نحس هذا التغيير؛ لأنه يحصل لكل شيء بنفس النسبة.

اگر این مطلب را بفهمیم، می‌توانیم بفهمیم که ما و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، می‌توانیم همگی به عالم رجعت در آسمان اول وارد شویم؛ بدون این که تغییر بزرگی را که برای جسم‌هایمان یا حتی جهانی که در آن زندگی می‌کنیم،

ایجاد شده است، احساس کنیم. حتی ممکن است که درک کنیم که ما و همه‌ی
جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، در حال تغییری مستمر هستیم و چه بسا
بفهمیم که این تغییر بزرگ است، ولی ما این تغییر را احساس نمی‌کنیم؛ به این
خاطر که همه چیز به یک نسبت در حال تغییر است.

ثانياً: نحن كنا في الذر أي في السماء الأولى، ونحن ذاهبون إلى الرجعة التي
هي أيضاً في السماء الأولى، أي أن هناك حركة [725] للفلک الأعظم الذي يشمل
الأکوان والعوالم التي نعيش في أحدها، ويجب أن نلتفت إلى أن هذه الحركة هي
خارج حدود الزمان والمكان وفي أبعاد أخرى قد لا نحسها ولكنها حقيقية
وموجودة، وأثر هذه الحركة كبير جداً في الأکوان وما فيها، ولا يمكن أن نعلم مدى
هذا الأثر طالما أننا جزء من هذه الأکوان. فالطريقة الوحيدة التي نعلم بها بهذه
التغيرات هي أن نكون نحن خارج هذه الأکوان، عندها سنرى الحقيقة التي ستكون
مختلفة تماماً عن الواقع الذي نحسه ونحن في داخل هذه الأکوان.

دوم: ما در عالم ذر در آسمان اول بودیم و به سوی عالم رجعت رهسپار هستیم
که آن نیز در آسمان اول است. یعنی فلک اعظم حرکتی دارد [726] که شامل
جهان‌ها و عالم‌هایی می‌شود که ما در یکی از آن‌ها زندگی می‌کنیم؛ و باید دقت
کنیم که این حرکت، بیرون از حدود زمان و مکان است و در بُعدهای دیگری
است که آن را احساس نمی‌کنیم؛ ولی حقیقی است و وجود دارد. تأثیر این حرکت،
در جهان‌ها و آنچه در آن است، واقعاً زیاد است؛ و ما تا زمانی که بخشی از این
جهان‌ها هستیم، امکان ندارد که محدوده‌ی این تأثیر را بدانیم. تنها راهی که
می‌توانیم از این تغییرات آگاهی پیدا کنیم، این است که بیرون از این جهان‌ها
باشیم. در این هنگام است که حقیقتی را که کاملاً با واقعیتی که آن را احساس
می‌کنیم، متفاوت است، را می‌بینیم. ولی اکنون ما درون این جهان‌ها قرار
گرفته‌ایم.

ثالثاً: أوصاف عالم الرجعة في روايات المعصومين لا تتناسب مع هذا العالم المادي الذي نعيش فيه، فلا مناص عن قبول أن عالم الرجعة هو عالم مغاير، وله قوانين مختلفة عن العالم المادي الذي نعيش فيه.

سوم: ویژگی‌های رجعت در روایات معصومین، با این عالم مادی که در آن زندگی می‌کنیم، تناسبی ندارد. چاره‌ای از پذیرش این نیست که عالم رجعت، عالم دیگری است که با عالم مادی که در آن زندگی می‌کنیم، قوانین متفاوتی دارد.

مختصر بصائر الدرجات: «محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ويعقوب بن يزيد عن أحمد بن الحسين الميثمي عن محمد بن الحسين عن أبان بن عثمان عن موسى الحنات قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: أيام الله ثلاثة: يوم يقوم القائم (عليه السلام)، ويوم الكرة، ويوم القيامة» [727].

مختصر بصائر الدرجات: موسی حنات گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: (روزهای خداوند سه روز هستند: روزی که قائم (ع) قیام می‌کند، روز رجعت و روز قیامت). [728]

مختصر بصائر الدرجات: «عن الحسن بن علي بن فضال عن أبي المغري حميد بن المثنى عن داود بن راشد عن حمران بن أعين قال: قال أبو جعفر (عليه السلام) لنا: ولسوف يرجع جاركم الحسين بن علي (عليهما السلام) ألفاً فيملك حتى تقع حاجباه على عينيه من الكبر» [729].

مختصر بصائر الدرجات: حمران بن اعین می‌گوید: امام باقر (ع) به ما فرمود: (به زودی همسایه‌ی شما، حسین بن علی (ع) هزار سال باز می‌گردد و فرمانروایی می‌کند. تا این که ابروانش از بزرگی بر چشمانش می‌افتد). [730]

مختصر بصائر الدرجات: «محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن القاسم الحضرمي عن عبد الكريم بن عمر والخثعمي قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: ... ويملك أمير المؤمنين (عليه السلام) أربعاً وأربعين

ألف سنة حتى يلد الرجل من شيعة علي (عليه السلام) ألف ولد من صلبه ذكراً، وعند ذلك تظهر الجنتان المدهامتان عند مسجد الكوفة وما حوله بما شاء الله» [731].

مختصر بصائر الدرجات: عمر خثعمي می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: (... و امیرالمؤمنین (ع) چهل و چهار هزار سال فرمانروایی می کند تا این که یک مرد از شیعه علی (ع) هزار پسر از پشتش را می بیند. در این هنگام است که دو بهشت در نهایت سبزی، کنار مسجد کوفه و دور آن، با آنچه خداوند بخواهد، آشکار می شود). [732].

مختصر بصائر الدرجات: «ورويت عنه أيضاً بطريقه إلى أسد بن إسماعيل عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال حين سأل عن اليوم الذي ذكر الله مقداره في القرآن في يوم كان مقداره خمسين ألف سنة: وهي كرة رسول الله (صلى الله عليه وآله) فيكون ملكه في كرتة خمسين ألف سنة، ويملك أمير المؤمنين (عليه السلام) في كرتة أربعاً وأربعين ألف سنة» [733].

مختصر بصائر الدرجات: وقتی از امام صادق (ع) در مورد روزی که مقدارش ۵۰ هزار سال است، پرسش شد، فرمود: (این رجعت رسول الله (ص) است که فرمانروایی ایشان در رجعت شان، ۵۰ هزار سال است و امیرالمؤمنین (ع) در رجعت خودش، ۴۴ هزار سال فرمانروایی می کند). [734].

بحار الأنوار: «عن أحمد بن محمد السيارى، عن محمد بن خالد، عن عمر بن عبد العزيز، عن عبد الله بن نجیح اليماني، قال: قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): (كلا سوف تعلمون * ثم كلا سوف تعلمون). قال: "مرة في الكرة، وأخرى في القيامة"» [735].

بحار الأنوار: عبدالله بن نجیح یمانی می گوید: (به امام صادق (ع) عرض کردم: «چنین نیست، زود است که بدانید. سپس چنین نیست، زود است که بدانید».) فرمود: (یک بار در رجعت و دیگر بار در قیامت). [736].

مختصر بصائر الدرجات: «حدثني الشيخ أبو عبد الله محمد بن مكي بإسناده عن علي بن إبراهيم ابن هاشم من تفسير القرآن العزيز قال: وأما الرد على من أنكر الرجعة فقولُه عز وجل ويوم نحشر من كل أمة فوجاً قال علي بن إبراهيم وحدثني أبي عن ابن أبي عمير عن حماد عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما يقول الناس في هذه الآية ويوم نحشر من كل أمة فوجاً؟ قلت: يقولون إنها في القيامة. قال: ليس كما يقولون إن ذلك الرجعة أيحشر الله في القيامة من كل أمة فوجاً ويدع الباقيين إنما آية القيامة وحشرناهم فلم نغادر منهم أحداً» [737].

مختصر بصائر الدرجات: علي ابن ابراهيم در «تفسير القرآن العزيز» می گوید: پاسخ فردی که رجعت را انکار می کند، سخن خداوند عزوجل است: «و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می گردانیم». پدرم از ابن ابی عمیر از حماد از امام صادق (ع) حدیث نمود که ایشان فرمود: (مردم در مورد آیه: «و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می گردانیم» چه می گویند؟ عرض کردم: می گویند: در مورد قیامت است. فرمود: آن طور که می گویند، نیست. این رجعت است. آیا خداوند در قیامت، از هر امتی گروهی را برمی انگیزد و بقیه را رها می کند؟ آیهی قیامت این است: «آنان را گرد می آوریم و هیچ يك را فرو گذار نمی کنیم» [738].

[725]. هو انتقال تدريجي وليس حركة، ولكن عبرت عنه بالحركة رغم أنها مقيدة بحدود الأبعاد الأربعة؛ لأنه لا توجد كلمة يفهما الناس وتعبّر عن هذا الانتقال غيرها فالألفاظ التي تتواصل بها مقيدة بالأبعاد الأربعة.

[726]. این یک انتقال تدریجی است؛ ولی از آن به حرکت تعبیر نمودم؛ با وجود این که حرکت به حدود بُعدهای چهارگانه محدود می شود. اما کلمه ای که مردم آن را بفهمند و این انتقال را تعبیر نماید، به غیر از الفاظی که با آن ارتباط برقرار می کنیم و در این بُعدهای چهارگانه محدود است، وجود ندارد.

[727]. مختصر بصائر الدرجات - ابن سليمان الحلبي: ص 18.

[728]. مختصر بصائر الدرجات، ابن سليمان حلبي، ص 18.

[729]. مختصر بصائر الدرجات - ابن سليمان الحلبي: ص 22.

- [730]. مختصر بصائر الدرجات، ابن سليمان حلي، ص ٢٢.
- [731]. مختصر بصائر الدرجات - ابن سليمان الحلي: ص 27.
- [732]. مختصر بصائر الدرجات، ابن سليمان حلي، ص ٢٧.
- [733]. مختصر بصائر الدرجات - ابن سليمان الحلي: ص 49.
- [734]. مختصر بصائر الدرجات، ابن سليمان حلي، ص ٤٩.
- [735]. بحار الأنوار - المجلسي: ج 53 ص 120.
- [736]. بحار الانوار، مجلسي، ج ٥٣، ص ١٢٠.
- [737]. مختصر بصائر الدرجات - ابن سليمان الحلي: ص 41 - 42.
- [738]. مختصر بصائر الدرجات، ابن سليمان حلي، ص ٤١ تا ٤٢.